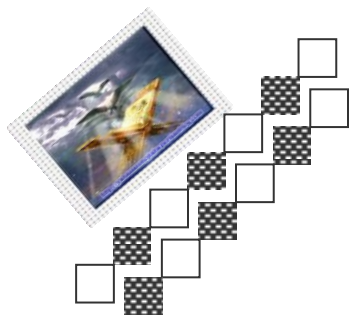


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی: ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

تأویل در جلد 1 و 2 کشف الاسرار و عده الابرار

استاد راهنما:

دکتر علیرضا معین زاده

استاد مشاور:

دکتر احمد محمدی

نگارش:

سکینه پرویز صدقی

اسفند-88



دانشگاه پیام نور
پ.ن.
باستقلال

تاریخ: _____
شماره: _____
پیوست: _____

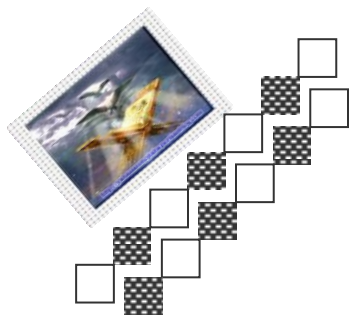
تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه: تاویل در جلد ۱ و ۲ کشف الاسرار و عدة الابرار
که توسط خانم سکینه پرویز صدقی تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۸/۱۲/۱۶
نمره: -/۱۹۱/۱۹۵ (درجه ارزشیابی: عالی)

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- آقای دکتر علیرضا معین زاده	استاد راهنما	استادیار	
۲- آقای دکتر احمد محمدی	استاد مشاور	استادیار	
۳- آقای دکتر علی کریم زاده	استاد داور	استادیار	
۴- خانم محبوبه عبدالهی	نماینده گروه علمی	مربی	
۵- آقای دکتر سید مهدی عراقی	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	



السلام علی مهدی الامم وجامع الکلم

تقدیم به دُرْدانه هستی ،

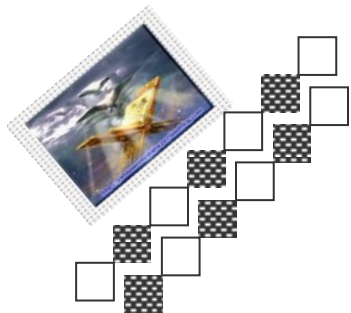
به آخرین فرزند محبوبه ی خدا ،

به نازدانه ی آل طه و یاسین ،

به آخرین حجت الهی ،

به بزرگ مربی بشریت و احیاگر دین محمدی (ص)

حضرت بقیه الله الاعظم «عج»



نمی دانم چه نیکی کرده ای بادل نهان از من که تا غافل شوم از وی دوان سوی تو می آید

سپاس آن فیاض علی الاطلاق را که چون نفسی فرو می رود و برمی آید همه از فیض او
نشأت می گیرد و هر چه هست ازوست و سرانجام همه به سوی اوست .

سپاس او را که پدر و مادری مهربان عطایم کرد تا دستم را بگرفتند و پله پله ی دانش را
پا به پا بردند. روح آسمانی پدر و لبهای پر دعای مادر بدرقه راهم شد و توان پیمودن این راه پر
نشیب و فراز را میسر نمود.

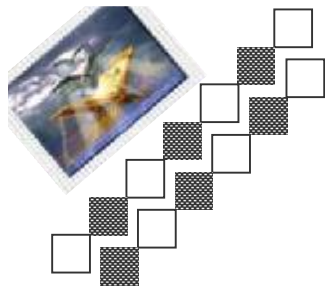
حمد و ثنای عالمیان بر آن فرد و صمدی که بی نیاز از جهان است و جهانی بدو محتاج ؛
آن رحمان و رحیم نام آوری که همسری صمیمی و یکدل و فرزندان رثوف و مهربان به من
بخشید که در تمام مراحل تحصیل سختی ها را بر من آسان نمودند .

همچنین از اساتید محترم جناب آقای دکتر علیرضا معین زاده استاد محترم راهنما و آقای
دکتر احمد محمدی استاد محترم مشاور که با ارشادات و رهنمود های سازنده ی خویش مرا در
تهیه و تدوین این پایان نامه یاری نمودند و از آقای دکتر علی کریم زاده استاد محترم داور تشکر
نمایم و نیز از خواهر صادقی مسئول محترم آموزش تحصیلات تکمیلی به خاطر زحماتشان
صمیمانه قدر دانی نمایم .



فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطالب
3	چکیده
4	مقدمه
37	بخش اول : تأویل در کشف الاسرار و عده الابرار
38	آشنایی مختصر با کتاب کشف الاسرار و عده الابرار
40	تأویل ها و رموز عارفان در سوره حمد
47	بیان وجوه اختلاف تفسیر النوبه الثانیه و الثالثه آیات سوره حمد
52	تأویل ها و رموز عارفان در سوره بقره
155	بیان وجوه اختلاف تفسیر النوبه الثانیه و الثالثه در 22 آیه سوره بقره
162	تأویل ها و رموز عارفان در سوره آل عمران
205	بیان وجوه اختلاف تفسیر النوبه الثانیه و الثالثه در 18 آیه سوره آل عمران
213	بخش دوم : دیدگاههای میدی
214	خطاب های الهی در قرآن
214	در مورد ارتکاب معاصی (صغایر از ناحیه ی انبیا و وجه حکمت آن)



214

مقام محمد (ص) در مقایسه با سایر انبیا

216

عزت قرآن

217

فرق امت اسلام با بنی اسرائیل

217

معاد جسمانی است نه روحانی

217

موضوع رؤیت

219

بخش سوم: مقایسه ی تفسیر عرفانی میبدی با تفسیر عرفانی ابن عطا ادمی

220

آشنایی با شخصیت ابوالعباس احمد ادمی مشهور به ابن عطا

222

مقایسه ی تفسیر آیه به آیه سوره ی حمد ابن عطا و میبدی

226

مقایسه ی تفسیر آیه به آیه سوره ی بقره ابن عطا و میبدی

237

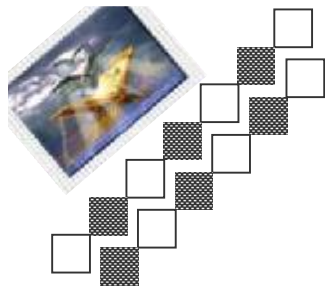
مقایسه ی تفسیر آیه به آیه سوره ی آل عمران ابن عطا و میبدی

253

نکات قابل بحث و بررسی در مقایسه تفسیر کشف الاسرار با تفاسیر متقدم

255

منابع مورد استفاده در نگارش رساله



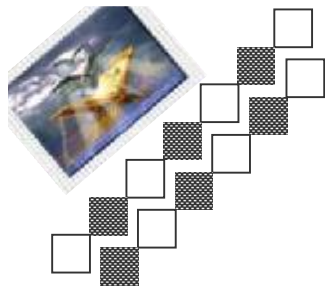
چکیده

آنچه در این رساله مطمح نظر است یافتن تأویل ها یا تفسیر های عرفانی در متن کتاب کشف الاسرار و عده الابرار معرف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری می باشد.

بنابر این در مقدمه، مفهوم کلی تأویل و فرق آن با تفسیر و تنزیل و بررسی این واژه از زوایای مختلف در علوم قرآنی و همچنین ساز و کارهای زبان عرفانی مطرح گردید. و از آن جا که امام السعید رشید الدین ابوالفضل میبدی کتاب خود را در سه بخش ارائه نموده که در النوبه الاولی معنی آیات به پارسی سلیس نوشته و در النوبه الثانیه به نکات تفسیری آیه توجه کرده و در النوبه الثالثه به رموز عارفان و اشارات صوفیان پرداخته است لذا با عنایت به عنوان و هدف رساله به تشخیص مصادیق تأویل و استخراج آنها در بخش النوبه الثالثه مربوط به سوره حمد و بقره و آل عمران که در دو جلد کتاب کشف الاسرار و عده الابرار مسطور است، مبادرت شد. و در عین حال در آیات سوره حمد و تعدادی از آیات سوره های بقره و آل عمران وجوه اختلاف تفسیر النوبه الثانیه و النوبه الثالثه بررسی گردید و در فرازی دیگر به دیدگاههای میبدی در خصوص مسائلی چون خطابه های الهی در قرآن، مقایسه مقام پیامبر با سایر انبیا، عزت قرآن، فرق امت اسلام با بنی اسرائیل، موضوع رویت پرداخته شد و در انتها، این تفسیر ارزشمند عرفانی با تفسیر عرفانی ابن عطا ادمی مقایسه و نتایج حاصل از آن به تفصیل ارائه شد.

کلید واژه:

{ تفسیر، تأویل، کشف الاسرار و عده الابرار، میبدی.



مقدمه:

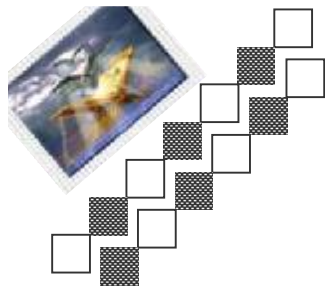
تاویل:

واژه ای قرآنی و اصطلاحی در علوم قرآنی و تفسیر و حدیث و سپس اصول و فقه و کلام و فلسفه و عرفان [است]. کاربرد نسبتاً فراوان آن در قرآن (هفده بار)¹ و حدیث در وجوه و مرادات مختلف، این واژه را موضوع مباحث و مناقشات علمی قرار داد که این مباحث خود منشاء ابراز دیدگاههای متفاوت درباره ی قرآن و متون دینی، بویژه از حیث معنا و فهم درونی آیات و احادیث (در برابر معنا و فهم ظاهری) و تأسیس «علم تاویل» نزد اهل عرفان شده است.

در این مقدمه مطالب زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

1. شناخت واژه ی تاویل
2. وجوه معنایی تاویل در قرآن:
الف) کاربرد قرآنی
ب) مراد از تاویل در قرآن و در اصطلاح مسلمانان متقدم و متأخر
3. کاربرد تاویل در حدیث:
الف) واژه ی تاویل در حدیث
ب) نسبت تاویل با تنزیل و ظاهر و باطن قرآن
4. آگاهی از تاویل قرآن
5. مباحث کلامی و فلسفی
6. مباحث عرفانی
7. علم تفسیر چیست و چه تفاوتی با تاویل دارد.
8. قرآن و هرمنوتیک:
الف) ارتباط قرآن و هرمنوتیک
ب) شناخت اجمالی هرمنوتیک، چگونگی شکل گیری و تحولاتی که در این عرصه به وقوع پیوسته اند.

¹. المعجم المفهرس، ذیل "اول".



9. سازوکارهای زبان عرفانی.

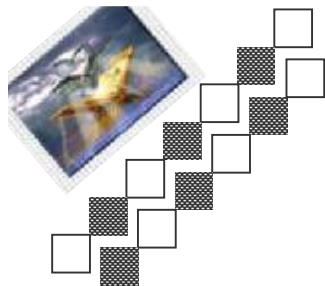
1) شناخت واژه ی تأویل:

لغویان تأویل را از ریشه ی *أَوَّلَ* می دانند. به نوشته ی ابن فارس¹ (ذیل "اول") این ریشه دو معنای اصلی دارد: آغاز یک چیز و پایان آن. کلمه ی اول از معنای نخست اشتقاق یافته و فعل آن «یَوُّول» به معنای «رَجَع» (بازگشت) به معنای دوم راجع است. واژه های «ایاله» به معنای (سیاست) و «آل» به معنای خاندان و خانواده از ریشه ی «أَوَّل» است، تأویل (بر وزن مصدری تفعیل) با معنای دوم پیوند دارد و «تأویل کلام» بدان باز می گردد. به گفته ی فیروزآبادی² تأویل با واژه ی *أَوَّل* نیز هم معنا دانسته شده است. (تأویل کلام یعنی برگرداندن سخن به آغاز آن) و همچنین برخی آن را با واژه ی «ایاله» به معنای سیاست مرتبط دانسته اند چنانکه «أَلتُّ الشیء» به معنای گردآوردن و سامان دادن است و بدین ترتیب «تأویل» عبارت است از گردآوردن چند معنای مشکل در یک لفظ روشن بی اشکال.³

¹ - الصحابی فی اللغة و سنن العرب فی کلامها، ذیل أول.

² - بصائر ذوی التمییز، ج 1، ص 79-80.

³ - تهذیب اللغة، ذیل اول .



2) وجوه معنایی تأویل در قرآن و حدیث

الف) کاربرد قرآنی:

واژه ی تأویل در قرآن 17 بار بکار رفته است، هشت بار در سوره ی یوسف¹ غالباً برای تعبیر خواب ، دو بار در سوره ی آل عمران (آیه 7) درباره ی آیات متشابه قرآن، دو بار در سوره کهف (آیات 82 ، 78) درباره ی بعضی کارهای نامأنوس یکی از صالحین که موسی علیه السلام با او همراه شد تا از وی حکمت آموزد². سه بار در (اعراف: 53؛ یونس: 39) درباره ی وعده ها و وعیدهای قرآن و دوبار در (نساء: 59؛ اسراء: 35) درباره ی جوهر و واقعیت دو توصیه ی قرآنی (درست وزن کردن و حق مردم را به راستی ادا کردن، ارجاع کارها به خدا و رسولش).

واژه ی تأویل به علت تنوع کاربرد در قرآن همواره مورد توجه لغویان و مفسران و نویسندگان کتب علوم قرآنی قرار گرفته است. این واژه در قرآن دارای 5 وجه معنایی است:

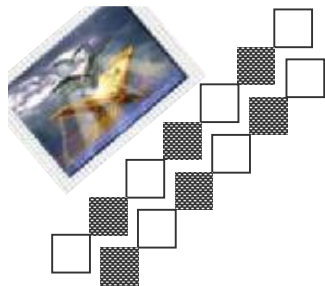
- 1- تعبیر خواب
- 2- انواع غذاها با رنگهای گوناگون
- 3- سرانجام و عاقبت
- 4- مدت بقای یک قوم یا شخص (مثلاً مدت بقای اسلام)
- 5- تحقق عینی

بیشتر مفسران معتقدند که از 5 وجه معنایی فوق در هشت آیه ی سوره ی یوسف، مراد از تأویل ، تعبیر (یا حقیقت) خواب است .

در آیه ی 37 همین سوره ، برخی مفسران عبارت «تأویله» را ناظر به حقیقت و رنگ و طعم غذای دو زندانی همبند یوسف دانسته اند .

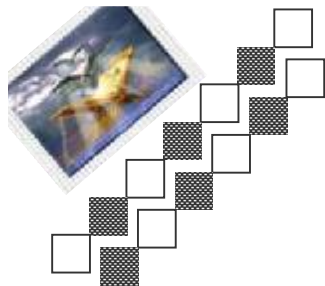
در آیه 59 سوره ی نساء «احسن تأویلاً» به گفته ی بیشتر مفسران به مفهوم «عاقبت» و «جزا» است و در آیه ی 35 اسرا نیز به همین مفهوم آمده وهم به نظر برخی مفسران موضوع رجحان

۱- قرآن ، سوره یوسف آیات ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱.
۲- همان آیه ۶۶



رجوع به تأویل خدا و پیامبر بر تأویل مردم است که رجوع به خدا و پیامبر نیکو تر از رجوع به تأویل خود مردم شمرده شده است در آیه ی 39 سوره ی یونس مفسران مراد از تأویل را حقیقت وعید و عقوبتی می دانند که قرآن از آن خبر داده است و طبق این توضیح ممکن است تأویل همان عاقبت و جزا و ممکن است «حقیقت چیزی» باشد. بنابر دو آیه ی 87 و 82 سوره ی کهف، مردیکه با موسی علیه السلام همراه شد تا به او علم و حکمت آموزد و موسی تاب کارهای شگفت او را نیاورد و زبان به اعتراض گشود در آغاز و انجام گفتارش اشاره نمود که «تأویل» کارها یش را می گوید و علامه طباطبایی آن را «انگیزه و سبب حقیقی کار» معنا کرده است.¹ در این میان آیه 7 سوره آل عمران که واژه ی تأویل دوبار در آن بکار رفته، موجب بیشترین مباحثات شده است در این آیه کل آیات را به دو گروه محکم و متشابه تقسیم می کند و می فرماید: کسانیکه قلبهایشان کژی دارد آیات متشابه را دنبال می کنند و در اثبات دیدگاههای خود به آنها احتجاج می کنند و در جستجوی تأویل آن آیات اند تفاوت این آیه با موارد پیشین در این است که در اینجا همه یا بخشی از قرآن دارای تأویل معرفی شده و در ادامه ی آیه تصریح گردیده است که تأویل قرآن را فقط خدا می داند بسیاری از مفسران گفته اند: «والراسخون فی العلم» که در این آیه بعد از الله آمده عطف به آن و مشمول همین گزاره است. از همان نخست این پرسش پدید آمد که مراد از «تأویل قرآن» چیست و چه نسبتی با «محکم» و «متشابه» دارد؟¹ - به نظر مفسران قدیم و از جمله میبیدی در کشف الاسرار این آیه از تلاش باطل یهود (بنابر برخی منابع: منافقان) برای آگاهی از زمان پایان یافتن دوره ی امت اسلامی و به تعبیر دیگر مدت دوام دین اسلام خبر داده است.² - نظر دیگر آن بود که مراد از تأویل در این آیه مانند برخی آیات دیگر، حقیقت قیامت و زنده شدن مردگان و یا عاقبت است. برخی با التفات به نسبتی که در این آیه بین تأویل و آیات متشابه ارائه شده معتقدند که تأویل به معنای "تفسیر" است و درباره ی آیات متشابه که چند معنا برای آن متصور است بکار می رود یعنی تأویل برای رفع ابهام است.³ - اینکه تأویل را بیان مراد و مقصود حقیقی آیه دانسته اند که در ظاهر لفظ نیست ولی با سیاق آیات قبل و بعد سازگار است.

¹ - المیزان، ج 3، ص 25.



البته این مفسران، معنای اخیر تأویل را نشأت گرفته از وجود حقایقی تو در تو می دانند که در آیات متشابه یا همه ی قرآن ارائه شده است. در این تبیین، روش انتقال از لفظ به معانی درونی و چگونگی ارتباط معنای لفظی با برداشتهای درونی مورد بحث و مناقشه بوده و هست¹. گرایشهای باطنی و عرفانی نسبت به فهم قرآن غالباً بر پایه ی همین نگرش به قرآن و تأویل آن شکل گرفته است. همچنانکه بسیاری از فرقه ها مطابق با آموزه های خود به توجیه آیات متشابه روی آوردند و چه بسا پیدایی شماری از فرقه ها ناشی از همین رویکرد بوده است². و آیه ی 7 سوره ی آل عمران ناظر به فرقه هایی است که با استناد به آیات متشابه بر دیدگاه باطل خود استناد می کنند.

ب) مراد از تأویل در قرآن و در اصطلاح مسلمانان متقدم و متأخر

سرگذشت واژه ی تأویل و تحول معنایی آن در تفسیر سوره ی اخلاص ابن تیمیّه آمده است. وی با استناد به آیات قرآن و شواهد دیگر چنین توضیح داده است: « واژه ی تأویل بین سه معنای کاربردی اشتراک لفظی دارد:

1. کاربرد قرآنی

2. کاربرد عالمان متقدم (طوائف من السلف)

3. اصطلاح شماری از متأخران.

1. در کاربرد قرآن، تأویل عبارت است از واقعیت هر سخن و هر فعل، که اگر این سخن از مقوله طلب باشد تأویل آن یعنی همان فعلی که طلب به آن تعلق گرفته است و اگر از مقوله ی اخبار باشد تأویل آن همان چیزی است که از آن خیر داده شده است مثل قیامت و تحقق عینی یک رویا. براین اساس، تأویل در کاربرد قرآنی آن از مقوله ی تفسیر و فهم و بیان و علم نیست و آنچه در سوره ی آل عمران انحصاراً به «الله» نسبت داده شده، علم به تأویل تمامی قرآن یعنی حقیقت خارجی

¹ - المیزان، ج 3، ص 45 و 44.
² - همان ص 41.



همه ی بیانهای قرآن است چرا که مرجع ضمیر در «و ما یعلم تأویلہ»^۱ قرآن است نه آیات متشابه. ابن تیمیّه به استناد حدیث منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم که برای ابن عباس دعا کرد و از خدا خواست که به او تاویل بیاموزد این نکته را افزوده که ممکن است تاویل بخشی از داده های قرآن، نه همه ی آن برای بعضی اشخاص معلوم شود.

2. تأویل نزد علماء سلف (مقدمین): به اعتقاد ابن تیمیّه تأویل نزد عالمان سلف مثل طبری علاوه بر معنای قرآنی مذکور، به معنای تفسیر و شرح و بیان مراد کلام بوده است .

3. تأویل در عرف متأخران: تأویل در عرف متأخران، چه متکلم و اصولی و چه صوفی و... عبارت بوده است از برگرداندن لفظ از معنای متداول و شناخته شده ی (راجح) آن به معنایی نامانوس یا ناشناخته (مرجوح) برپایه ی یک دلیل. که در این فرآیند باید اولاً امکان نسبت دادن معنای مرجوح به آن لفظ وجود داشته باشد ثانیاً دلیل کافی برای انصراف از معنای راجح ارائه شود. وی سپس برخی تاویلهایی فرقه های کلامی (همچون جهمیّه، معتزله، اشاعره و زنادقه) را بر شمرده و تاکید کرده که بزرگان سلف اینگونه تاویلها را مردود می دانسته اند^۲.

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه ی 7 سوره آل عمران به تفصیل موضوع تأویل را با مرور در آیات مشتمل بر این واژه بررسی کرده و تأویل را در قرآن ناظر به امر خارجی واقعی دانسته است. به اعتقاد او همه آیات قرآن، از محکم و متشابه، دارای تأویل است و این تأویل به هیچ روی کاربرد لفظ در معنای مخالف با معنای ظاهری آن نیست^۳. علامه طباطبایی بر این ادعا که واژه تأویل در قرآن ناظر بر امر عینی است و فقط در این معنا به کار رفته تاکید کرده و نظر ایشان با نظر ابن تیمیّه و به تبع او سید محمد رشیدرضا صاحب تفسیر القرآن الحکیم^۴ و دیگران قرابت تام دارد. جلال الدین سیوطی در الاتقان^۵، تأویل را کوششی فرا متنی برای دریافت معانی درونی آیات دانسته است. آیت الله محمد هادی

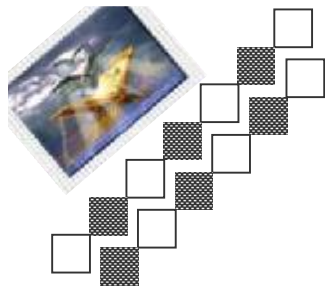
۱ - قرآن ، سوره آل عمران ، آیه ۷.

۲ - رساله الاکلیل ، ج ۲ ، ص ۳۶-۸.

۳ - المیزان ، ج ۳ ، ص ۲۷

۴ - تفسیر القرآن الحکیم، ج ۳ ، ص ۱۷۵.

۵ - الاتقان فی علوم القرآن ، ج ۴ ، ص ۱۹۲.



معرفت از صاحب نظران معاصر علوم قرآنی در کتاب التمهید با توجه به آرای علمای امامیه و به استناد احادیث و مرویات از اهل بیت تأویل قرآن را به دو معناتقسیم می کند:

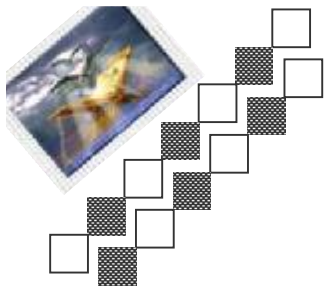
«1) توجیه لفظ متشابه یا کار شبهه ناک، با این توضیح که متشابه در اصطلاح قرآنی به لفظی گفته می شود که تاب چند معنا را دارد و گویی شخصی تأویل کننده لفظ را از معنای ظاهری متشابه آن بر می گرداند و به سوی معنایی که خاستگاه آن است می برد و چه بسا تشخیص او در این خاستگاه نادرست باشد یا حکمت کاری را که ظاهر آن شبهه ناک بوده بیان می کند.

«2) بازگویی معانی درونی آیات از آنرو که طبق حدیث، قرآن ظاهر و باطن دارد. ایشان با بیان این نکته که تأویل در همه ی آیات قرآن جاری است، توضیح داده که هر دو معنای اصطلاحی تأویل از قبیل معنا و مفهوم است و بدین ترتیب نظر ابن تیمیه و علامه طباطبایی را که تأویل و از جمله تأویل قرآن را ناظر به حقیقت عینی و نه از مقوله ی لفظ و معنا می دانند، را نادرست خوانده است. بر این همه باید افزود که به اعتقاد ایشان، واژه تأویل در قرآن در دو معنای دیگر نیز بکار رفته است: تعبیر رویا، عاقبت و فرجام امر. از این گذشته، به نظر ایشان معنای اصطلاحی « عبور از ظاهر لفظ به درون آن » برای تأویل معنایی است که فقط در بیانات عالمان سلف و در روایات به کار رفته و کاربرد قرآنی نداشته است ... با این برداشت که قرآن در هر آیه پیامی جاودان دارد و آن پیام در پس پرده ظاهر لفظ نهفته است. بنابراین تأویل عبارت است از « برداشت های کلی با قطع نظر از خصوصیات تنزیلی هر آیه » که از رهگذر تعمق در آیات قرآن و فراهم بودن امکان تأویل - و در رأس آن، رسوخ در علم - حاصل می شود.¹ آیت الله معرفت به تأویلات رمزی اهل تصوف نیز اشاره کرده است و با نقل نمونه ای از تأویل قرآنی ابن عربی از آن رو که اینگونه تأویلات ضابطه ندارد و بین معنای رمزی و عبارت مورد استناد نسبتی وجود ندارد آنها را نپذیرفته است.²

از مجموعه آرای مطرح در آثار لغوی و تفسیری و علوم قرآن دانسته می شود که واژه ی تأویل بتدریج از معنای آغازین لغوی فاصله گرفته و در آثار مفسران و مؤلفان حوزه های مختلف علوم

¹ - التمهید، ج ۳، ص ۶.

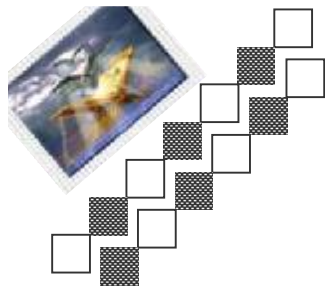
² - مقاله منتشر نشده ی آیت ا... معرفت موجود در بنیاد دایره المعارف اسلامی.



اسلامی به معنای توجیه آیات متشابه و فهم معانی درونی آیات به کار رفته، به گونه ای که کاربرد آن در معنای اصلی منسوخ و در معنای جدید متبادر شده است^۱

این واقعیت که قرآن آکنده از حقایقی تو در پوست و هر کسی در خور استعداد و کوشش خود به فهم وجوه گوناگون معنایی آن نایل می شود از اسباب این تحول معنایی بوده است و مؤلفان و محققان برای اشاره به لایه های معنایی یا فرآیند دستیابی به آن معانی درونی، مناسب ترین واژه را تأویل یافته اند. در احادیث مضامین فراوانی از این دست وجود دارد چنانچه در نهج البلاغه آمده است: «ظاهر قرآن زیباست، باطن آن ژرف ناپیداست، عجایب آن سپری نگردد و غرایب آن به پایان نرسد»^۲ یا قرآن به زمان و مردم معینی اختصاص ندارد و این کتاب «تا روز قیامت در هر زمانی، نو و برای هر مردمی تر و تازه است»^۳.

۱ - روشهای تأویل قرآن ، ص ۲۹ .
۲ - نهج البلاغه ، خطبه ۱۸ .
۳ - التوحید ، ج ۲ ، ص ۸۷ .



3) کاربرد تأویل در حدیث:

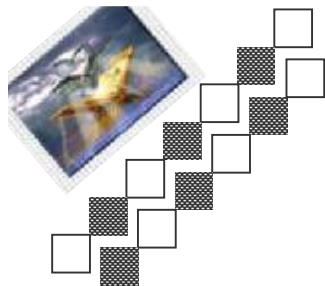
الف) واژه تأویل در حدیث:

واژه تأویل و مشتقات آن در حدیث، بویژه حدیث شیعه و غالباً مرتبط با قرآن، بسیار آمده و در موارد نسبتاً زیادی این کاربردها به مناسبت بحث از آیات قرآن واژه تأویل ناظر به امر خارجی است. ... « شخصی از امام صادق علیه السلام مراد از آیه ی 33 سوره احزاب (آیه ی تطهیر) را پرسید. امام به او پاسخ دادند: این آیه در باره پنج تن نازل شده، سپس تأویل آن واقع گردیده که امامان بعدی اند. این پاسخ حاکی از آن است که پرسش کننده به امر خارجی، نه معنای لفظ و استنتاجات لفظی نظر داشته و امام در بیان مقصود خود واژه ی تأویل را بکار بردند. از حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه 6- قصص نقل شده که آن درباره ماست (هی لنا اوفینا). در حالیکه همین توضیح با عبارت «ما تأویل این آیه ایم» از پیامبر اکرم (ص) نیز روایت شده است¹. «امام کاظم علیه السلام نیز در بیان مراد از «ابناء» (فرزندان) و «نساء» (زنان) در آیه 61 سوره آل عمران (آیه مباحله) از همین واژه استفاده کرد و فرمود که تأویل «ابناء نا» امام حسن و امام حسین علیهما السلام و تأویل «نساءنا» حضرت فاطمه سلام الله علیها و تأویل «انفسنا» حضرت علی علیه السلام است. در بیانات اصحاب و شاگردان امامان نیز این معنای تأویل برای قرآن رایج بوده است.»²

درباره ی برخی غالیان، از جمله علی بن حسکه و قاسم یقینینی، گزارش شده که آنان مراد از واژه های عبادی مثل صلوات و زکات و حج را در قرآن، اشخاص معین (مثلاً امامان) می دانستند. ابراهیم بن شیبیه در نامه ای به امام هادی علیه السلام در باره این دیدگاه پرسید و امام پاسخ دادند که این نظر درست نیست و شیعیان باید از آن احتراز کنند. در این گزارش نیز پرسش کننده برای بیان مقصود خود واژه «یتأولون» را بکار برده است.³

ب) نسبت تأویل با تنزیل و باطن و ظاهر قرآن

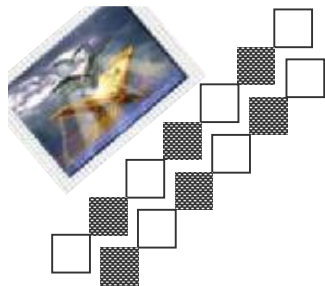
۱ - دانشنامه ی جهان اسلام، ج ۶، ص ۳۱۸.
۲ - بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۲۸.
۳ - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۱۶.



توجه به این موضوع که واژه ی تنزیل در احادیث در برابر تأویل آمده و از سوی دیگر آن دو واژه، مترادف دو کلمه ی ظاهر و باطن شناسانده شده است، برای فهم مراد از واژه ی تأویل قرآن در کاربرد حدیثی، سودمند و چه بسا ضروری است. در حدیثی آمده که قرآن ظهر و بطن دارد، ظهر آن تنزیل و بطن آن تأویل است. (دو واژه ی حد و مُطَّلَع / مَطَّلَع) نیز در حدیث آمده که به گفته برخی شارحان، از نظر معنایی با تنزیل و تأویل هم افق اند. در حدیثی پیامبر درباره ی حضرت علی (ع) فرمود او بر پایه تأویل قتال می کند همانگونه که براساس تنزیل قتال کرد. ... علی علیه السلام نیز در واقعه ی صفین به همین تعبیر اشاره و تأکید کرد که این جنگ مبتنی بر تأویل است. طبق احادیث، مصداقهای شمار زیادی از اوصاف و اشخاص قرآنی، امامان اهل بیت پیامبرند و اساساً برخی از آیات از آغاز درباره آنها نازل شده است و شماری از آیات در زمانهای بعد بر آنان تطبیق می شود. حالت نخست، تنزیل و حالت دوم، تأویل است. به این ترتیب تأویل بر یک واقعیت خارجی دلالت دارد.

به نظر برخی محققان رابطه ی معانی درونی قرآن با الفاظ آن رابطه ی لازم و ملزوم است با این قید که آن لوازم معنایی تنها از رهگذر بیانات عترت پیامبر دست یافتنی است: نکته ی مهم این است که در حدیث از راهیابی به وجوه مختلف معنایی یا هر تلاشی در این خصوص، با عنوان تأویل یاد نشده است.¹

1 - دانشنامه ی جهان اسلام، ج 6، ص 320 - 318 .



4) آگاهی از تأویل قرآن

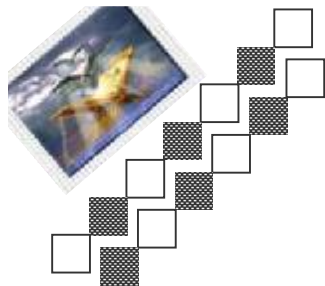
در آیه ی 7 سوره آل عمران ضمن تصریح بر تأویل داشتن آیات قرآن (همه یا فقط آیات متشابه) و اینکه تأویل آن را جز خدا کسی نمی داند، به «راسخان در علم» اشاره شده است، آنان از عمق جان ایمانشان را به الاهی بودن تمام آیات باز می گویند (يقولون آمنا به كل من عند ربنا). عبارت «والراسخون فی العلم» پس از کلمه ی «الله» و با واسطه ی حرف واو آمده و دو احتمال را پیش کشیده است، یکی معطوف بودن به الله و دیگری استقلال از آن (استیناف). بنابر فرض نخست کسانی که عنوان راسخان در علم را دارند بر تأویل قرآن واقف اند و در عین حال از باور عمیق خود نسبت به قرآن خبر می دهند (جمله ی «يقولون ...» حالیه است) اما بنابر فرض دوم، راسخان در علم، در برابر کژدلانی که فتنه جوینان خواستار دستیابی به تأویل آیات متشابه اند، قرار می گیرند و خود را مؤمن به همه ی قرآن می شناسانند. به عبارت دیگر، مردم در مواجهه با قرآن دو دسته اند: کژدلان و راسخان در علم¹. بنابراین همه ی مؤمنان صادق راسخان در علم اند، در حالیکه بنابر فرض نخست فقط افرادی معین حایزین عنوان شده اند. از مفسران متأخر، آلوسی بغدادی تأویل قرآن را مترادف تفسیر دانسته و در آیه ی 7 سوره ی آل عمران قایل به عطف شده است.

وی سپس با اشاره به اینکه شافعیان نظریه ی عطف وحنفیان استقلال (استیناف) را برگزیده - اند، توضیح داده که از نظر شافعیان مراد از متشابه در قرآن هر عبارت مبهم است (مالم یتَّضح معناه) و حال آنکه حنفیان متشابه را اموری می دانند که علم آنها نزد خداست (مااستأثر الله بعلمه) و ارائه ی دو نظر ناهمگون درباره ی آگاهی از تأویل ناشی از همین اختلاف دیدگاه است².

مفسران شیعه در تفسیر آیه ی 7 سوره آل عمران غالباً به معطوف بودن «والراسخون فی العلم» به «الله» نظر دارند و راسخان در علم را آگاه از تأویل قرآن می دانند. مستند اساسی ایشان در این نظر، روایات فراوانی است که در آنها بر آگاهی پیامبر و امامان از تأویل قرآن تصریح و تأکید شده است. طبق این روایات که به گفته ی مجلسی به مرتبه ی استفاضه (خبر مشهور نزدیک به تواتر) رسیده است.

¹ - المیزان، ج ۳، ص ۲۷.

² - روح المعانی، ج ۲، ص ۵۰.



مراد از «راسخان در علم» پیامبر و اوصیای او هستند و آن حضرت برترین ایشان است از سوی دیگر همه ی قرآن تأویل دارد و خدا آیه ای را بر پیامبرش فرو نفرستاد مگر آنکه تأویلش را، همراه با تنزیل، به وی آموخت. اوصیای پیامبر و در رأس آنان علی بن ابیطالب علیه السلام نیز تأویل همه ی قرآن را می دانند و آنگاه مؤمنان دیگر از رهگذر تعلیم این عالمان بر آن تأویل واقف می شوند. در واقع، آموزه ی امامیه در باب تأویل قرآن این است که خدا افرادی خاص (راسخان در علم) را بر تأویل قرآن واقف کرده و هر گونه آگاهی از تأویل فقط از این طریق حاصل می شود. از سوی دیگر، بنابر برخی احادیث رسوخ در علم وصفی است عام برای همه ی مؤمنان و نشانه ی آن اعلام ایمان به همه ی قرآن، از محکم و متشابه است و طبعاً پیامبر و اوصیای او بالاترین و کاملترین مصداقهای این وصف قرآنی اند. امیر مؤمنان علی (ع) در خطبه ی اشباح و ویژگی راسخان در علم را اقرار به ناآگاهی از معناهای پوشیده [قرآنی] دانسته که خدا این اعتراف آنان به ناتوانی در رسیدن به آنچه نمی دانند را ستوده است.¹ نکته ی در خور تأمل این آموزه گذشته از مخالفت جدی امامان با هر گونه کوشش فرامتنی نسبت به قرآن به انگیزه ی وقوف به تأویل آن و نفی قاطع تأویلهای غالیان ساکت بودن آن از بیان ضابطه های شناخت تأویل درست از نادرست است بویژه از آن حیث که تأویل با تنزیل مناسبت دارد و هر لفظی با هر معنای تأویلی سازگار نیست.²

از مفسران امامیه، علامه طباطبائی روش دیگری را در تفسیر آیه ی 7 سوره ی آل عمران برگزیده است. به اعتقاد او قطعاً «والراسخون فی العلم» معطوف به «الله» نیست و نظریه ی عطف به سیاق آیه و روش قرآن ناسازگار است اما وی استدلال خود را بر امکان آگاهی از تأویل، به تعلیم خداوند، به تفصیل باز گفته است به اعتقاد او مراد از تأویل قرآن حقایق عینی است که این حقایق طبق قرآن در «لوح محفوظ» (بروج: 22) و «کتاب مکنون» (واقعه: 79) بوده و از کمترین دگرگونی به دور است، کسانی که با عنوان «مطهرون» وصف شده اند بر آن حقایق آگاهند. این مطهرون را قرآن در آیه ی تطهیر³ شناسانده و تأکید کرده است که پاکی قلب آنان از جانب خدا و به اراده ی اوست. حاصل این

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۹۱.
۲- دانشنامه جهان اسلام ، ذیل «تأویل».
۳- قرآن سوره احزاب ، آیه ۳۳